

اروپا و ۱۰ میلیون بیکار ناامید

قانون ایجاد خواهد کرد.

اروپا تا کنون مدبرانه راه حلهای عاجل و مطالعه نشده را رد کرده است، گروهی راههای سوسیالیستی، از قبیل تمرکز حمایتهای دولت را توصیه می‌کنند که این راه حل بلافاصله تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و فرصتهای توسعه می‌گذارد. سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه، مستقر در پاریس، راه حل وارد کردن نیروی کار ارزان از کشورهای جهان سوم را نیز رد کرده و می‌گوید چنین اقدامی ضربات جبران ناپذیری بر سطح تکنولوژی کشورها وارد می‌کند و مشاغل تخصصی را که صنایع اروپا به آن متکی است متزلزل می‌سازد. تکنولوژی بر خلاف آنچه که در افواه شایع است موجبات بیکاری نیروی انسانی را فراهم نمی‌کند. تاریخچه تکنولوژی و ماشین از صنایع نساجی گرفته تا تراکتورسازی و خط تولید روباتها نشان می‌دهد که وحشت از جایگزین کردن ماشین به جای انسان، ترمس بی‌پهوده است. تکنولوژی مدرن کارآئی صنایع را بیشتر می‌کند، سطح زندگی را بالاتر می‌برد و مشاغل جدیدی را ایجاد می‌نماید.

شرایط بیکاران در آمریکا

آمریکا نیز مانند اروپا زیر فشاری مشابه قرار دارد. در این قاره پائین بودن حداقل دستمزدها که قادر به تطبیق با تورم نیست، وجود اتحادیه‌های بی‌اقتدار کارگری، آزادی بی‌حد و حصر کارفرمایان در استخدام و اخراج کارکنان و تعیین دستمزدها، مالیاتهای پائین و حاکمیت فرهنگ کارآفرینی، واحد پول ضعیف و بالا رفتن بی‌وقفه سطح تکنولوژی مشکلات خاص خود را ایجاد کرده‌اند.

گرچه نرخ شش درصدی بیکاری آمریکا حدود نصف اروپا است ولی کارگران آمریکائی در قبال بیکاری کمتر، بهای سنگین‌تری در برابر عواملی نظیر فقدان امنیت شغلی، نابرابری دستمزدها، دستمزدهای قلیل در مشاغل پائین و بروز فقر در میان اکثریت کارگران، می‌پردازند. با آنکه اروپائیان در روابط شغلی و ذر برخورد با

رشد متفاوت در اروپا در حال شکل گرفتن است، در یک سو کشورهایی که ریاضت‌کشانه کار می‌کنند و در سوی دیگر آنهایی که کار نمی‌کنند، برخورد آبی میان این دو گروه می‌تواند منشاء تعارضی زیرانگیز باشد.

جو هانس گروس روزنامه‌نگار آلمانی می‌گوید: «جوامع آینده اروپائی باید خود را به پدیده بیکاری عادت دهند زیرا هیچ نشانه‌ای از اینکه برای همه در اروپا کار وجود داشته باشد در دست نیست.»

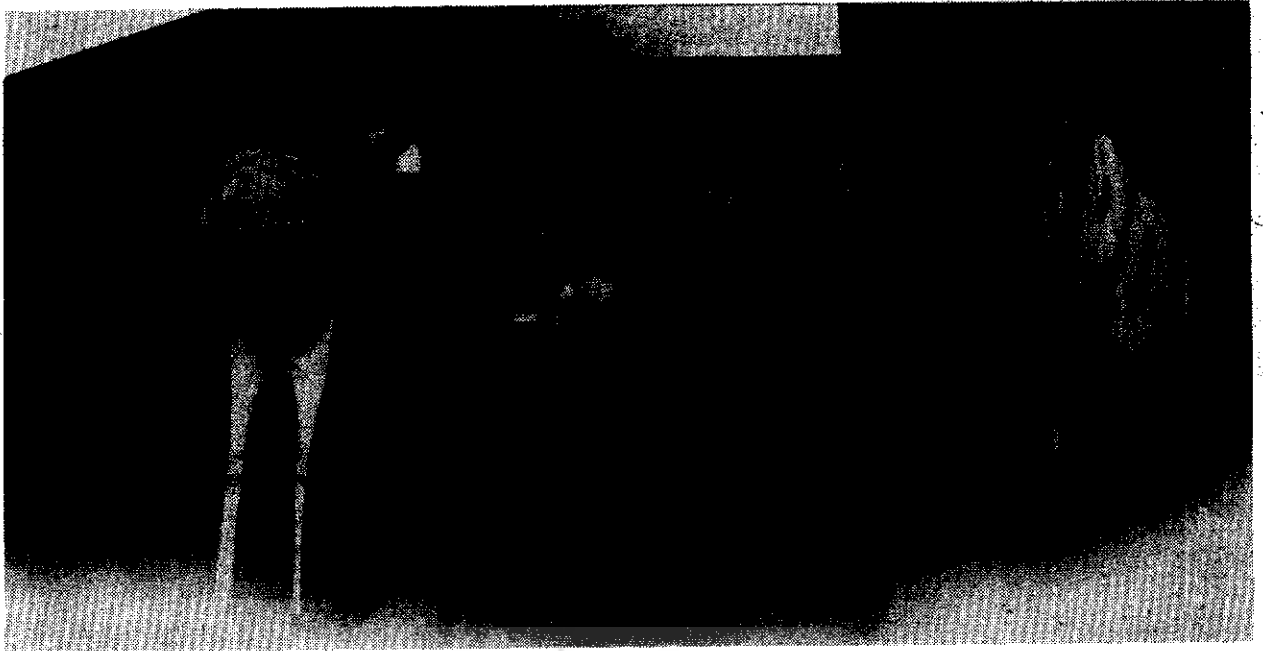
با تمام تلاشی که حکومت‌های اروپائی برای درمان بیماری بیکاری انجام می‌دهند هنوز هیچ دارویی قطعی برای مداوای این بحران ژرف نیافته‌اند. در کنار ناتوانی کشورهای اروپائی برای ایجاد مشاغل، مشکلات و موانع بزرگی از قبیل مالیاتهای سنگین، سطح بالای حداقل و میانگین دستمزدها و سایر هزینه‌های اشتغال، قوانین کار، هزینه‌های سرسام‌آور تأمین اجتماعی و مقررات مشکلی که برای ایجاد واحدهای صنعتی و شرکتهای تازه تأسیس وجود دارد نیز بر دلمشغولی و نگرانی دولتمردان اروپائی افزوده است. آنها به خوبی آگاهند که اولین گام برای از میان برداشتن بیکاری تجدید نظر و کاستن از هزینه‌هایی است که طی پنجاه سال گذشته برای رفاه کارکنان در نظر گرفته شده است و نیز آگاهند که دست زدن به چنین اقدام متهورانه‌ای ممکن است هرج و مرجها و انقلابهای اجتماعی را در پی داشته باشد، چرا که مستقیماً منافع همه اقشار جامعه را به مخاطره می‌اندازد.

کلاوس فردریش اقتصاددان برجسته درسدن بانک آلمان می‌گوید: «هرگامی در راه کاستن از مزایای رفاه اجتماعی برداشته شود گامی است پشت درونک.» و ژان میشل شارپن از مقامات بانک ناسیونال دو پاریس می‌گوید: «کاستن از امتیازات رفاهی مستلزم یک فداکاری عظیم از سوی مردم است، نامطمئن بودن از فداکاری مردم کشتیهای نهرمندی را علیه نظم و

بیکاری در همه زمینه‌ها، چه در مشاغل ساده و چه در شغل‌های تخصصی با تحصیلات بالا، اروپا را آزار می‌دهد و تمام توان سیاستمداران و دولتمردان این قاره اکنون به حل این مشکل مزمن اختصاص یافته است. رالف شولتز مهندس مکانیک ۴۷ ساله اهل برلین که در شغل خود از تخصصی بالا برخوردار است با حقوق ماهانه شش هزار دلار در ماه ناگهان خود را بیکار یافته است، شرکت او اعلام کرده به دلیل تغییر ساختار شرکت مجبور است تعدادی از کارکنان خود را اخراج کند و او حالا به خیل بیست میلیونی بیکاران اروپائی پیوسته است. بیکاری بیش از همه دامن میان‌سالان را گرفته است، کارکنانی که با سالهای طولانی فعالیت و تجربه به حقوقهای بالا دست یافته‌اند هدف اصلی مدیران شرکتهای برای کاستن از هزینه‌ها قرار گرفته‌اند. آنها از آینده خود نگران و مأیوسند، زیرا منبع درآمدشان را از دست داده‌اند و فرصتی نیز برای شروع کار از اول را ندارند.

دولتمردان اروپا می‌گویند مسئله بیکاری در اروپا جدی‌تر از آن است که بتوان با چند استدلال لفظی و سخنرانی دلخوش‌کننده آن را حل کرد. واقعیت فراتر از گزارشهایی است که هرزگاه از سوی حکومت‌های اروپائی منتشر می‌شود. در سال ۱۹۹۳ کمیسیون اروپا-مستقر در بروکسل-برنامه‌ای را تحت عنوان «شغل و قدرت رقابت» منتشر کرد که براساس آن قرار بود تا سال دو هزار پانزده میلیون شغل جدید در اروپا ایجاد شود. دو سال پس از انتشار آن گزارش و در حالی که اقتصاد کشورهای اروپائی روند رو به رشدی هم داشته، این کمیسیون اعلام کرده است که در ماه دسامبر گذشته نرخ بیکاری در اروپا جهشی برابر یازده درصد داشته که سه درصد از سال ۱۹۹۰ بیشتر است.

در آستانه بسته شدن دفتر قرن بیستم مشکل بیکاری در اروپا از تمام ادوار تاریخی این قاره مأیوس‌کننده‌تر است. الن گرین اقتصاددان فرانسوی پیش‌بینی می‌کند: «دو جامعه با سرهت



هلموت کهل صدراعظم آلمان... کشورش اکنون ۲ میلیون نفر بیکار دارد

اقدام باعث می شود صاحبان این نوع پس اندازها پول خود را بیشتر خرج کنند و سهمی از هزینه های سنگین رفاه اجتماعی را تأمین سازند. آلمان با داشتن چهار میلیون بیکار که از سالهای جنگ دوم جهانی به این سو بی سابقه است یک طرح پنجاه ماده ای تحت عنوان «برنامه اقدام» ارائه داده که در اصل مهم آن عبارتند از: تجدید نظر در مالیاتها به دلیل اتحاد دو آلمان و همگون کردن هزینه های غیرشغلی که هردو برای اقتصاد کشور فاجعه آمیزند. آلمانها معتقدند چنانچه این طرح از سال ۱۹۹۷ به اجرا گذاشته شود تا سال دو هزار دو میلیون شغل جدید ایجاد خواهد شد.

توصیه های کمیسیون اروپا

این روزها بازار دادن طرح برای ریشه کن کردن بیکاری در اروپا داغ است: بخش های صنعت و بازرگانی و اتحادیه های کارگری هر یک به ارائه برنامه هایی اقدام کرده اند که از میان آنها طرح آ-گ مثال آلمان (بزرگترین اتحادیه کارگری این کشور) بیش از دیگر طرحها مورد توجه قرار گرفته است. این اتحادیه در طرح خود تورم بر اثر افزایش دستمزدها و همچنین انعطاف پذیری ساعات کار را پذیرفته و در عوض از کارفرمایان خواسته است در سه سال آینده سیصد هزار شغل جدید ایجاد کنند. با اینحال مذاکرات میان صاحبان صنایع و رهبران این اتحادیه به دلیل درخواست چهار درصد اضافه

تلخ تظاهرات و شورشهایی را که بر اثر کاستن از هزینه های رفاه اجتماعی در فرانسه رخ داده از یاد نبرده است، بدون اشاره به تغییر در ساختار رفاه اجتماعی، اعلام کرده است که ایجاد مشاغل جدید و کاستن از نرخ بیکاری در بالاترین اولویت سیاستها و برنامه هایش قرار دارد. تحقق یافتن برنامه های شیراک بدون ایجاد تغییرات در ساختارهای مخارج و هزینه های سرسام آور تأمین و رفاه اجتماعی تقریباً محال است و به همین دلیل ناظران معتقدند که فرانسه تا سال ۱۹۹۹ که طرح اروپای متحد عملی می شود شرایط لازم برای ورود به آن اتحادیه را کسب نخواهد کرد و همچنان با بحران بیکاری روبرو خواهد بود.

هیچ برنامه ایجاد مشاغل بدون داشتن رشد اقتصادی موفق نیست، ژاک شیراک و هلموت کهل صدراعظم آلمان از ترس تهدید اروپای متحد بوسیله نرخ بیکاری، این روزها با ظاهر شدن در میان مردم و تظاهر به حتمی بودن تشکیل اروپای متحد و پول واحد اروپائی، تلاش می کنند اروپای غرق در بیکاری را سر و سامانی دهند.

رشد اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ تنها ۲/۷ درصد بود و پیش بینی می شود امسال از این پائین تر، یعنی ۲/۵ درصد باشد. این نرخ رشد تنها برای متوقف کردن نرخ بیکاری در سطحی که هست کفایت می کند. فرانسه پیشنهاد کرده است نرخ بهره به پس اندازهای کم کاسته شود، زیرا این

نیروی کار قسوت آمریکائیا را ندارند اما هنگام وارد آمدن ضربه های اقتصادی، سخت گرفتار می شوند. هر رکود، نرخ بیکاری را افزایش می دهد ولی پس از برطرف شدن آن این نرخ به میزان قبل از رکود بر نمی گردد. از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۲ که آمریکائیا به رشدی ۷۰ درصدی دست یافتند و ۴۷ درصد به مشاغل خود افزودند اروپائیا با وجود داشتن رشدی معادل ۸۱ درصد تنها ۹ درصد مشاغل جدید ایجاد کردند. کلیتون رئیس جمهوری آمریکا مدعی است از ژانویه ۱۹۹۳ نزدیک به ۸ میلیون شغل در آمریکا ایجاد شده است. در همین مدت در پانزده کشور عضو اتحادیه اروپا کمتر از سیصد هزار شغل جدید بوجود آمده است، چرا؟ دلیل آن بالا بودن حداقل دستمزد و هزینه های ایجاد مشاغل جدید است. کارفرمایان اروپائی حتی در دوران شکوفائی اقتصادی از افزودن بر عده کارکنان خود به دلیل بالا بودن دستمزد آنها اکراه دارند و ترجیح می دهند به کارکنان موجود خود اضافه کاری های طولانی بدهند ولی نیروی کار جدید استخدام نکنند.

معاهده ماستریخت که در آن کمک به کشورهای اروپائی برای کسب شرایط عضویت در اروپای متحد با واحد پول یکسان توصیه شده و قرار است در سال ۱۹۹۹ عملی شود نیز اقبهای تازه ای در کاستن از نرخ بیکاری نگشوده است. ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه که هنوز طعم

دستمزد از سوی اتحادیه در سال ۱۹۹۶ که دو برابر نرخ تورم است به شکست انجامید. تورم حاصل از افزودن به دستمزدها بزرگترین مانع بر سر راه کاستن از نرخ بیکاری است.

مدیران صنایع اتومبیل سازی در آلمان پیش بینی می کنند در چهار سال آینده یکصد هزار کارگر این صنایع بیکار خواهند شد. در صنایع ساختمانی رقم از این نیز دلهره آورتر است، چرا که تنها در سال ۱۹۹۶ بیش از نود هزار کارگر در این بخش بیکار و یا بازخرید خواهند شد. شرکت

الکترونیک گروندیک اعلام کرده است که دو هزار و دویست کارگر خود را اخراج خواهد کرد. حزب اقلیت سوسیال دمکرات توصیه می کند آلمان مسئله پول واحد اروپا را فراموش کند و مقدمات رشد را از طریق سرمایه گذاریهای بیشتر دولتی فراهم آورد. ژاک سانتر رئیس کمیسیون اروپا می گوید: «وحشت از افزایش بیکاری اعتماد به پول واحد اروپایی را به مخاطره انداخته است.» و پیشنهاد می کند کارفرمایان و اتحادیه های کارگری به شکل ضربتی و عاجل برای از میان برداشتن بیماری مهلک بیکاری پای میز مذاکره بنشینند. کمیسیون اروپا می گوید برای رسیدن به اهداف معاهده ماستریخت اروپا به رشد سریعتری نیازمند است تا ضمن نگهداشتن نرخ تورم در سطحی پائین و از طریق کاستن نرخ بهره، اعتماد عمومی جلب شود و سرمایه گذاری برای ایجاد مشاغل جدید تحقق پیدا کند. کمیسیون اروپا همچون همه ساختارهای اقتصادی این قاره بشدت نگران بیکاری و صعود روزافزون آمار آن است، ولی نسخه های آن نیز برای درمان این بیماری نارسا و ناتوان از کاستن از دستمزدها و هزینه های رفاه اجتماعی است، دویید اوسولیان یک کمیسیونر برجسته در بخش اشتغال می گوید: «ما موافقیم که به تغییراتی افراطی نیاز داریم ولی هرگز به دنبال روشهای نامتعادل آمریکائی نیستیم، زیرا این روشها سیستم های ایمنی اجتماعی اروپا را از بیخ و بن در هم خواهد ریخت.» او می گوید راه سومی هم وجود دارد و آن درگیر شدن بیشتر در تکنولوژی ارتباطی و کامپیوتر است، در حالیکه آمریکائیا از طریق پیشرفت سریع در صنایع ارتباطی و کامپیوتر موفق به ایجاد میلیونها شغل شده اند اروپائیا در این بخش از صنعت فعالیت و پیشرفت کافی نداشته اند. با اینحال کارشناسان متوجه این نکته هستند که

اروپائیان نیروی متخصص لازم را برای ارتقاء صنایع ارتباطی و کامپیوتر در اختیار ندارند. تنها ۲۲ درصد از دانش آموزان اروپایی دوره دبیرستان را به پایان می برند که در قیاس با رقم ۷۵ درصدی در آمریکا و ۹۰ درصدی در ژاپن در مرتبه های بسیار

اروپائیان در حل مشکل رو به رشد بیکاری عاجز مانده اند

پائین قرار دارد. تنها سی درصد از اروپائیان به تحصیلات عالی راه پیدا می کنند که این رقم در آمریکا ۷۰ و در ژاپن ۵۰ درصد است. از سوی دیگر در اروپا پدیده های به نام جذب نیروهای بیکار شده از یک واحد به واحد تولیدی دیگر کمتر به چشم می خورد، در حالیکه در آمریکا جذب نیروهای متخصص، اگر هم بیکار نباشند بسیار متداول، و امری است عادی که باعث می شود از هزینه های آموزشی واحدهای صنعتی کاسته شود.

کارشناسان راه دیگر مقابله با بیکاری را ایجاد واحدهای تولیدی کوچک می دانند. پاره ای از کشورها بنا استفاده از این روش موفقیت هایی کسب کرده اند. در انگلستان که نرخ بیکاری هشت درصد است، سال گذشته پانصد هزار واحد تولیدی کوچک تأسیس شده که تعدادی از بیکاران را به خود جلب کرده اند. این روش در سیستم های سرمایه داری که بزرگترها کوچکترها را می بلعند در صورت فقدان حمایت دولت، در اولیه ترین مراحل کار محکوم به شکست است. از سوی دیگر چون این واحدها قادر به جذب تعداد زیادی کارگر نیستند مجبورند کارگران موجود خود را در ساعاتی بیشتر به

کار وادارند و در نتیجه خود را با اتحادیه های کارگری و قوانین کار درگیر کنند.

دستمزدهای صنعتی در اروپا خیلی بالاتر از دستمزدها در آمریکا و ژاپن است و باعث می شود واحدهای صنعتی که قادر به جذب میلیونها کارگر هستند از پرداخت دستمزد آنها عاجز بمانند. از سوی دیگر مالیات بر دستمزدهای پائین بسیار بالا است. این عوامل باعث می شوند که شرکتهای بزرگ صنعتی سرمایه های خود را برای تولید پر استفاده تر به خارج از کشورهای خود ببرند تا از مزایای پرداخت دستمزدهای

پائین تر و هزینه های کمتر رفاه اجتماعی بهره مند شوند. شرکتهای آلمانی در سال گذشته ۲۹ میلیارد دلار از سرمایه های خود را در خارج از اروپا سرمایه گذاری کرده اند که در میان آنها شرکتهای عظیم ب.ام.و و مرسدس بنز مقامی و رای دیگر شرکتهای دارند.

مأخذ: تایم- ۲۶ فوریه ۱۹۹۶
برگردان از سرویس ترجمه «گزارش»

مجمع سیاحتی و توریستی

کیلان کیش

با پرواز

روشت به کیش و کیش به روشت

ویلاهای دو طبقه فولیوس در کنار ساحل دریا
کلبه های ساحلی در کنار ساحل دریا
تابلو خوراکی در کنار ساحل دریا
کلبه های ساحلی در کنار ساحل دریا
تابلو خوراکی در کنار ساحل دریا
کلبه های ساحلی در کنار ساحل دریا
تابلو خوراکی در کنار ساحل دریا
کلبه های ساحلی در کنار ساحل دریا
تابلو خوراکی در کنار ساحل دریا

کیش تلفن تمامی زمین ۲۰۸
۱۱۲۷۶۹۱۳۷